

کتاب آرایه هزار و یک شب

دکتر یعقوب آژند

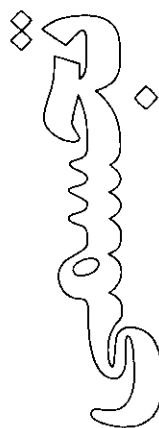


۱. پیشینه

هزار و یک شب منشأ در فرهنگ ایرانی - هندی دارد و پیش از اسلام نام هزارافسان داشت. ابن ندیم در کتاب الفهرست خود سبب تألیف آن را به تفصیل ثبت کرده است. به نوشته او یکی از پادشاهان ایران هرگاه زنی می‌گرفت پس از گذراندن یک شب با او، فردای آن روز دستور قتل او را صادر می‌کرد. تا اینکه با دختری به نام شهرزاد ازدواج کرد. شهرزاد هوشمند و با درایت بود. او هر شب به داستان‌سرایی پرداخت و سخن را به پایان شب‌کشاند تا پادشاه او را برای دومین شب نگاه دارد و باقی افسانه را از او بشنود، هزار شب بدین گونه سپری شد و آنها صاحب فرزند شدند. شهرزاد ماجرا را به شاه بازگو و او را از نیرنگ خویش آگاه کرد. شاه از هوشمندی شهرزاد شادان شد و بدو دل باخت و او را نگاه داشت (ابن ندیم، ۱۳۵۲، ۳۶۳: محجوب، ۱۳۸۲، ۳۶۶/۱: تفضلی، ۱۳۷۶: ۸-۲۹۷). ابن ندیم می‌نویسد که این کتاب برای همای دختر بهمن نوشته شده بود.

مسعودی نیز درباره کتاب هزار افسانه مطالبی دارد و آن را از کتاب‌های فارسی، هندی و رومی می‌داند و عنوان آن را «الف خرافه» ثبت می‌کند و اینکه «مردم این کتاب را الف لیله و لیله می‌گویند و آن داستان پادشاه و وزیر و دختر او و کنیز آن دختر است که شیرازاد و دنیا زاد نام دارند» (مسعودی، ۱۳۵۶: ۶۱۰/۱، محجوب، ۱۳۸۲، ۳۶۵/۱)

پس هسته اصلی هزار و یک شب ایرانی است و مجموعه‌ای از حکایات و افسانه‌ها با موضوعات و مضامین گوناگون است و شماره آنها از ۲۶۴ داستان در نمی‌گذرد. البته مراد از



فصلنامه هنر شماره شصت و یک

«هزار» در این کتاب بیان کثرت است. کتاب **هزارویک شب** در سده سوم هجری از پهلوی به عربی ترجمه شد و بر آن داستان‌های عربی را با فضا سازی‌های اجتماعی مثل محیط بغداد و مصر افزودند. بعضی معتقدند که محمد بن عبدوس جهشیاری بر آن مجموعه‌ای از داستان‌های عربی و رومی و ایرانی را افزود (ابن ندیم، ۱۳۵۲، ۳۶۳؛ حنا الفخوری، ۱۳۶۱، ۵۳۴)

تأثیر **هزارویک شب** بخصوص در خاور نزدیک مستمر و شدید بود. شماری از داستان‌های آن وارد ادبیات عامیانه اقوام شد. از طرف دیگر در اروپای غربی پاره‌ای از داستان‌های باستانی و قرون وسطایی فرانسوی وجود دارد که در بردارنده تأثیرات شرقی است و تردیدی نیست که این تأثیرات از **هزارویک شب** و آثار دیگر وارد ادبیات اروپای غربی شده است؛ چون داستان‌های **هزارویک شب** در اثنای جنگ‌های صلیبی در غرب مسیحیت نیز پراکنده شد (چپیک، ۱۳۸۰، ۳۱۰).

نکته گفتنی اینکه **هزارویک روز** در تقابل با **هزارویک شب** تدوین و تنظیم شده است. داستان‌های این اثر خطاب به یک شاهزاده خانم ایرانی بدبین به جنس مرد است و از ازدواج گریزان. از این رو ندیمه او داستان‌هایی در باره عاشقان وفادار و شوهران پایبند به او نقل می‌کند تا اینکه سرانجام دل او نرم می‌شود و تن به ازدواج می‌دهد. در این کتاب نیز از شگرد داستان در داستان استفاده شده است و داستان‌های آن ارتباط مستقیم با ادبیات عامیانه دارد و بیشتر موضوعات و مضامین آن دارای منشأ ایرانی است (همان، ۳۱۱).

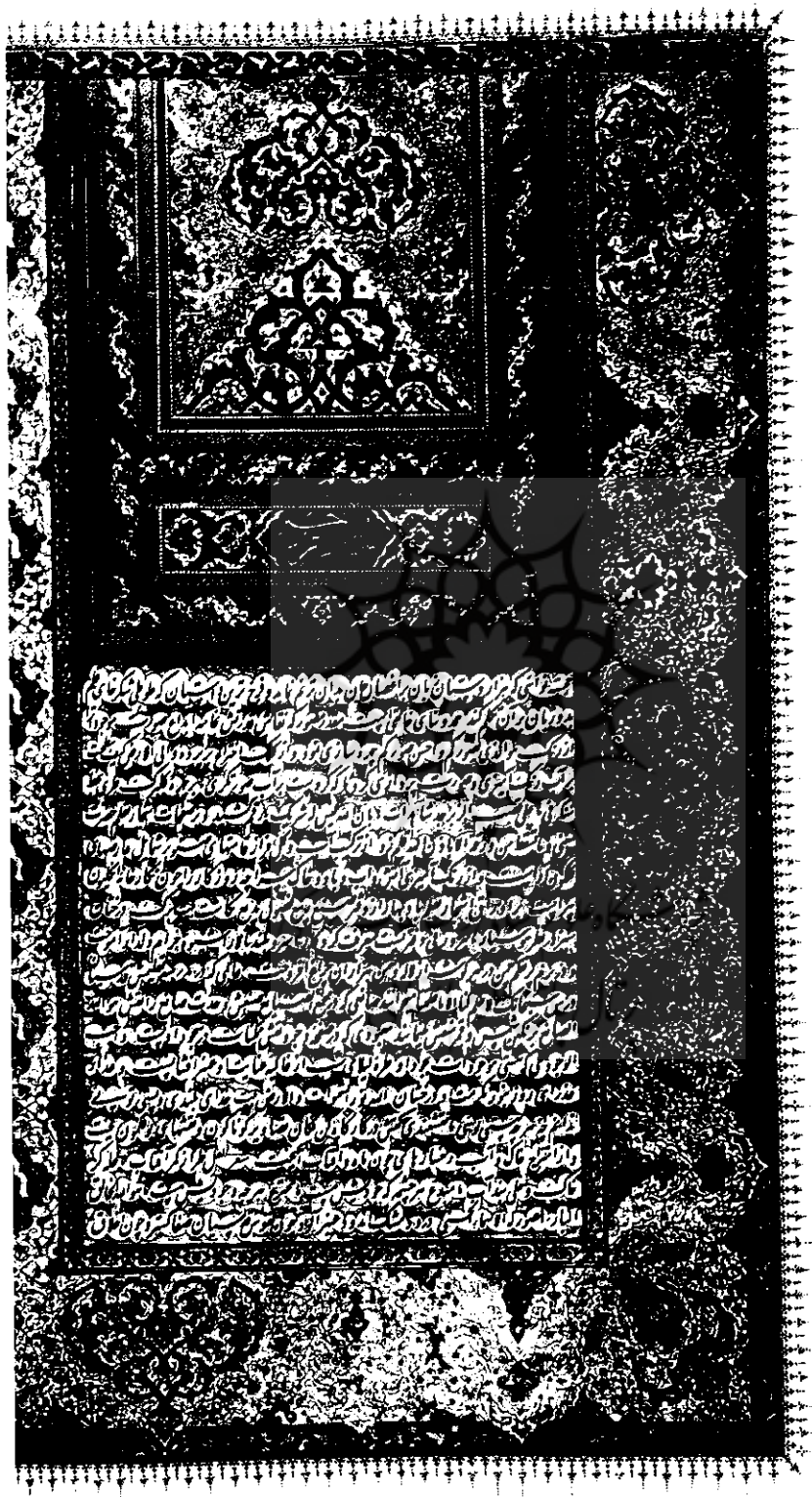
از **هزارویک روز** نسخه‌ای باقی نمانده است ولی پتی دلاکروا (Petit de la croix = ۱۷۱۳ - ۱۶۶۳ م) شرق‌شناس فرانسوی که به زبان فارسی مسلط بوده، در دوره صفویان ترجمه‌ای از آن به زبان فرانسه انجام می‌دهد و این اثر را از خطر گمنامی می‌رهاند (محبوب، ۱۳۸۲، ۶۱-۴۲۴). بخشی از این کتاب در سال‌های اخیر به زبان فارسی ترجمه شده است.

میرزا عبداللطیف طسوجی در سال ۱۲۵۹ ق. به درخواست بهمن میرزا فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه، کتاب **هزارویک شب** را از عربی به فارسی ترجمه کرد و اشعار عربی آن را نیز سرود اصفهانی، شاعر این دوره، به شعر فارسی درآورد و این کتاب نخستین بار در سال ۱۲۶۱ ق. به خط و کتابت میرزا علی خوشنویس در تبریز با چاپ سنگی انتشار یافت (محبوب، ۱۳۳۸، ۵۳-۳۴؛ آراین پور، ۱۳۵۷، ۱/۱۸۳). بعدها چاپ‌های متعدد سنگی از این اثر منتشر شد از جمله **هزارویک شب** سال ۱۲۷۲ ق. با تصویرپردازی میرزا رضا تبریزی؛ **هزارویک شب** سال ۱۲۷۲ ق. با تصویرپردازی میرزا علی قلی خویی؛ **هزارویک شب** ۱۲۹۳ ق. در ۲ جلد با کتابت فرج‌الله تفرشی و تصویرپردازی میرزا نصرالله و عبدالحسین خوانساری؛ **هزارویک شب** سال ۱۳۱۵ ق. در ۵ جلد و نقاشی‌های یک خانم روسی که به رسام ارژنگی نیز منسوب است (محبوب، ۱۳۳۸، ۴۸)؛ **هزارویک شب** سال ۱۳۳۴ ق. با کتابت علی بن اسماعیل اصفهانی. از این چاپ‌های سنگی که بگذریم می‌رسیم به **هزارویک شب** مصور دوره ناصری که آن را می‌توان از آثار برجسته کتاب‌آرایی سنتی دوره قاجار برشمرد.

کتاب‌آرایی هزار و یک شب

۲. کتاب‌آرایی هزارویک شب

گفتیم که کتاب **هزارویک شب** با ترجمه طسوجی در سال ۱۲۶۱ ق. در تبریز چاپ سنگی شد. ۶۳



سرلوح مذهب. مرصع، مجلد اول کتاب
هزار و یکشب (راست) و صفحه‌ای از
مقدمه همان کتاب (چپ) خوشنویس:
محمدحسین طهرانی، مذهب: میرزا
عبد الوهاب و میرزا علی محمد. تهران،
۱۲۷۶ - ۱۲۹۶ ه. ق. (۴۵×۳۰ س. م.)

فصلنامه هنر شماره شصت و یک



این کتاب را در سال ۱۲۶۳ ق. برای ناصرالدین میرزا که در دارالسلطنه تبریز اقامت داشت، خواندند. حکایات آن مطلوب طبع هنرپسند او شد. او پس از رسیدن به سلطنت (۱۲۶۳ ق.) دستور داد تا کتاب هزارویکشب را کتاب آرایی کنند. از این رو حسینعلی خان معیرالممالک را ناظر این پروژه تعیین کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ۲۲۴/۳). کار معیرالممالک نظارت بر تصویرسازی، تذهیب و تجلید آن بود. میرزا محمدحسین تهرانی (عشرت) برای کتابت آن انتخاب شد و کتابت هزارویکشب در سال ۱۲۶۹ ق. پایان یافت. میرزا احمد منشی فرزند بدایع نگار در تاریخ قاجار در سال ۱۲۷۱ ق. در باب کتابت آن می‌نویسد:

«عمادالخط، استاد الخطوط حسین بن علی رازی رحمه الله علیه نیز نگارش آن نامه همایون اختیار افتاد چه خط او از خطه معانی و روضه امالی حکایت کردی و از طلسمات مداد و دوات مردم دیده را شربت آب حیات چشاندیدی و او از سرجد و اجتهاد به نگارش و تحریر آن نامه خسروانی شروع پیوست و در ملاحظه قط و صنعت خط یدیبضاء نمود» (ذکاء، ۱۳۸۲، ۳۱). سپس معیرالممالک نقاشی و تصویرپردازی کتاب را به ابوالحسن نقاشی و استاد آفاقاش به مقاطعه داد. در مسوده مقاطعه آمده بود:

«مسوده مقاطعه نامه الف لیله بین حسینعلی خان معیرالممالک و صنیع‌الملک. هو، به مقاطعه صحیحه شرعیه دادم نقاشی و تذهیب الف لیله سرکاری را به عالیجهان میرزا ابوالحسن نقاشی و استاد آقای نقاش به مبلغ شش هزار و پانصد و هشتاد تومان رایج خزانه عامره از قرار تفصیل ذیل به موعده سه‌ساله از حال تحریر که دهم شهر ذیقعده الحرام است لغایت سه سال تمام نموده، تحویل نمایند. نقاشی از قرار مجالسی که ساخته شده و به نظر اقدس قبله عالم و عالمیان روحنا فداه رسیده و همچنین تذهیب از قرار ورق‌هایی که تذهیب شده به نظر مبارک رسیده و خدانخواستہ اگر از این قرار تخلف نمایند مورد مؤآخذہ پادشاهی باشند. این چند کلمه بر سبیل مقاطعه نامچه قلمی گردید. فی شهر ذیقعده الحرام ۱۲۶۸. مهر معیرالممالک» (همان، ۵۶).

از سندیاد شده پیداست که کار تصویر و تذهیب هزارویکشب می‌باید در عرض سه سال تمام می‌شد با این شرط که مورد پسند شاه قرار گیرد. جایی که برای انجام این کار در نظر گرفته شده بود، مجمع الصنایع ناصری بوده است. گفتنی است که مجمع الصنایع (یا مجمع دارالصنایع یا مدرسه مجمع الصنایع) را امیرکبیر برای تربیت و تشویق اهل هنر و ترویج صنایع داخلی در جنوب غربی سبزه میدان ساخت و همچون اقدامات دیگر او پس از قتلش آغاز به کار کرد. اعتمادالسلطنه در باب وظایف و ویژگی‌های این مجمع می‌نویسد: «ایجاد و انشاء مجمع الصنایع که مشتمل است بر صنایع دستی از قبیل ایلت‌سازی و زردوزی برای ملبوس نظام و بریدن و دوختن البسه قشون و ملیله‌سازی عمل چین که زرکشی و زردوزی مخصوص و ممتازی است و نقاشی‌های بسیار اعلا و تفنگ‌سازی و قداره‌گری و غیر ذلک از اعمال و صناعت و پیشه‌های متعلقه به تربیت لشکر و سوق‌عسکر در بازار صندوق‌دار واقعه در دارالخلافه تهران، سند هزار و دویست و شصت و نه. سال ششم از جلوس همایون» (۱۳۶۳، ۹۳/۱).

فصلنامه هنر شماره شصت و یک

این مجمع یادآور جبه‌خانه دوره صفوی است که وظایف مشابهی را بر عهده داشته است.

عباس اقبال در مقاله‌ای راجع به مجمع الصنایع ناصری از یک مجموعه خطی صحبت می‌کند که در روز پنجشنبه ۱۴ محرم ۱۲۶۹ تنظیم شده و در بردارنده اطلاعاتی درباره حجره‌های این مجمع و شماره استادان و شاگردان و اسامی و مشاغل هر یک از صاحبان حجره هاست. در این سند در کنار مشاغل متعددی که نام می‌برد از حجره نقاشان هم یاد می‌کند که شامل نقاشی‌های و ۳۴ نفر نقاش است و «مشغول مجلس سازی کتاب الف لیله می‌باشند و ذوالفقار بیک مشغول به روغن کاری کالسه‌کاهی است که تازه از مسکو آورده‌اند. نقاشی‌های ۱، سایر ۳۵» (۱۳۲۷، ۶۸-۶۷). بعد از حجره میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد صحبت می‌کند که «این دو استاد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله می‌باشند، استاد ۳، شاگرد ۴» (همان، ۶۹). و در آخر اشاره می‌کند که «بر نقاشان کتاب الف لیله بسیار جانتنگ می‌باشد بواسطه آنکه نقاش زیاد شده و علاوه بر یک حجره هم به جهت مذهب و صحاف گرفته شده» (همان، ۷۰).

از قرار معلوم این تنگی جابا عث شده تا کار تصویربرداری کتاب هزارویک‌شب در خانه حسینعلی خان معیر الممالک ادامه یابد (معیر الممالک، ۱۳۶۱، ۲۷۴). سرانجام این پروژه در شش جلد به پایان رسید. مدت کتابت و تصویربرداری آن هفت سال طول کشید (از ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ ق.). این نسخه کلاً دارای ۲۲۸۵ برگ یعنی ۱۱۴۲ صفحه متن و ۱۱۴۳ برگ نگاره با ۳ تا ۴ نگاره در هر برگ، به قول کمال الملک «میرزا ابوالحسن خان عموی من کتاب الف لیله ساخته که سه هزار و ششصد مجلس دارد و در کتابخانه دولت هست. سی و چهل نقاش در آن کار کرده‌اند ولی تحت نظر و ریاست صنیع الملک بود» (کمال الملک، ۱۳۶۶، ۱۲: فلور و دیگران، ۱۳۸۲، ۵۲). باز مطلب را از زبان میرزا احمد منشی در تاریخ قاجار بشنویم و بخوانیم:

«استاد مانی نگار ابوی سرکار ابوالحسن الغفاری القاشانی در تمثیل و تشکیل هر ورق کمال صنعت و جمال بضاعت خویش باز نمود و طبیعت نقاشان‌چین و صورتگران افرنج را به صنع برداشت، چنانکه دیده از دیدار آن خیره شود و عقل‌ها حیران ماند که مگر در انابل او سحر بابل تعبیه کرده‌اند یا بر اطواف نیان او خامه عطارد نهاده و هر صفحه که از نگار و نگارش این دو استاد بر آمدی چون دلبران طنز کرشمه و ناز آغاز کردی و بر آیین مغ‌بچگان عیار دل آرام و دل آزار آمدی...» (ذکاء، ۱۳۸۲، ۳۱).

سرانجام هزارویک‌شب روی کاغذ خان‌بالیغ و در قطع رحلی بزرگ (۳۰×۴۵ سانتی‌متر) کار شد و به اتمام رسید. هر مجلس نقاشی آبرنگ به اندازه ۱۸×۳۲ سانتی‌متر رویه‌روی صفحه متن قرار گرفته و در بردارنده سه تا شش مجلس است که با جداول مذهب از یکدیگر متمایز شده و موضوع هر مجلس به خط رقاع و مرکب الوان در حاشیه نوشته شده است. هر شش جلد دارای جلد روغنی لاک‌ی و منقوش و مسجع به مهر ناصرالدین شاه است (همان، ۱۱۷).

۳. تصاویر

سبک تصاویر هزارویک‌شب روی هم‌رفته ناتورا لیستی است، گرچه رگه‌هایی از سنت نگارگری ایران در آن پیدا است. سنت نگارگری ایران از نیمه دوم سده یازدهم هجری به تدریج دچار تحولاتی شد و اسلوب فرنگی‌سازی، که یکی از انواع هفتگانه نقاشی



صحنه‌هایی از حکایت «ضوءالمکان»،
و جنگ «ملک شیرکان» با دشمنان، از
مجلد اول کتاب «هزار و یک شب»
نگاره‌های آبرنگ، کار ابوالحسن
غفاری، صنایع‌الملک.

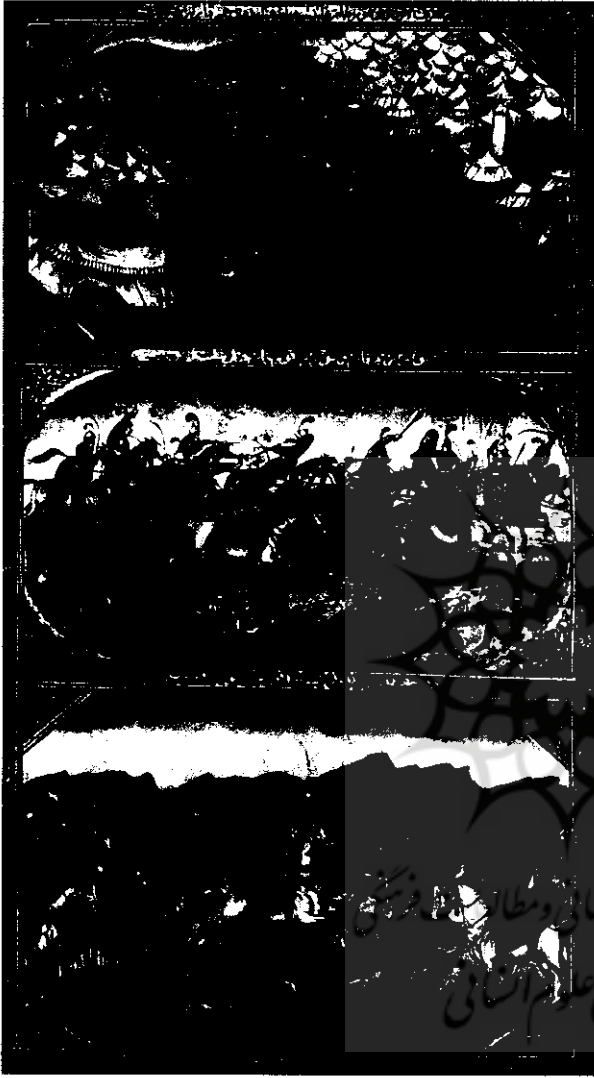
فصلنامه هنر شماره شصت و یک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجموعه کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی
مجموعه علوم انسانی



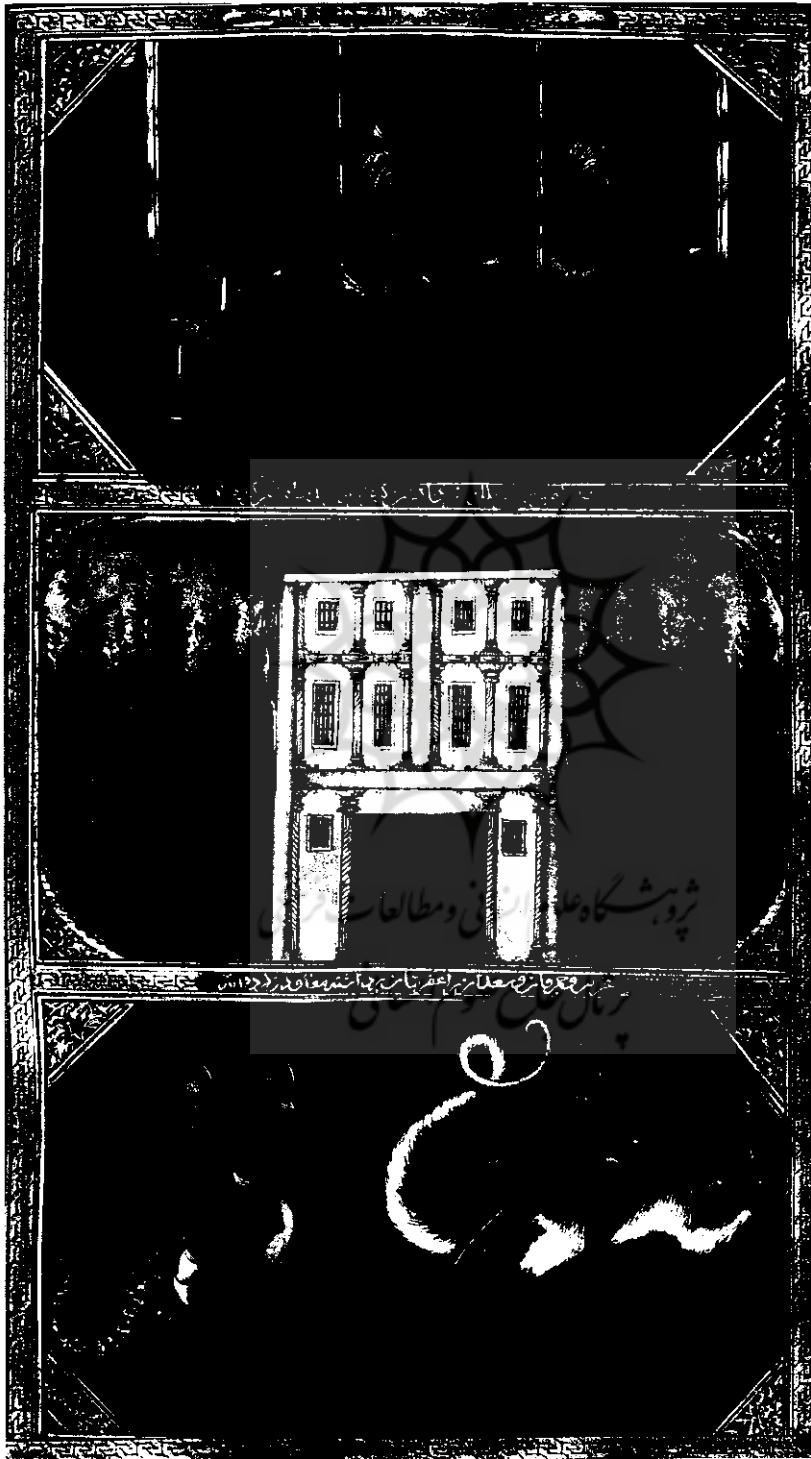
ایران بود، غالب آمد. این اسلوب که تحت تأثیر ناتورالیسم اروپایی در ایران شکل گرفته بود، نظر هنر پروران را به خود واداشت. در دوره افشاریه و زندیه و حتی ابتدای دوره قاجار، آثاری نه چندان پخته و پرورده، با این اسلوب کار شد. هنوز هنرمند در چنبره نقد و نظر سنتی نگارگری ایران محصور بود و در بین ناتورالیسم اروپایی که با حجم‌نمایی و سایه‌روشن کاری سروکار داشت و نگارگری سنتی ایران که چنین تمهیداتی را واگذاشته و همچنان پایبند خطر و طرح و نقش به گونه تخت بود، سیرمی کرد. تا اینکه در عهد محمدشاه شماری از ایرانیان برای فراگیری نقاشی به اروپا رفتند و این رفت و آمدها در زمان ناصرالدین شاه ثمر داد و نتیجه آن دستاوردهای میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک



(۸۳-۱۲۲۹ ق.) بود که کلاً ناتورالیسم را با رعایت قواعد آن وارد نقاشی ایران کرد.

صنایع‌الملک در پیکرنگاری درباری و گراورسازی هنر خود را نشان داد. آثار زیادی از پیکرنگاری‌های وی از محمدشاه، ناصرالدین‌شاه و سایر شاهزادگان و درباریان در دست است که در آنها از اصول حجم‌نمایی و سایه‌روشن‌کاری اروپایی بهره‌جسته است. صنایع‌الملک دستاورد دیگری نیز در قلمرو نقاشی ایران داشت و آن تأسیس نخستین مدرسه نقاشی ایران با نام «نقاشخانه دولتی» بود (همان، ۵۰-۴۹) و با تأسیس این مدرسه، نظام استاد-شاگردی سنتی ایران به تدریج به نظام مدرسه‌ای تبدیل شد و به دنبال آن تحولات دیگری چهره نمود.

به هر تقدیر، شیوه کار صنایع‌الملک ناتورالیسم اروپایی بود که در آن نهایت تلاش خود را



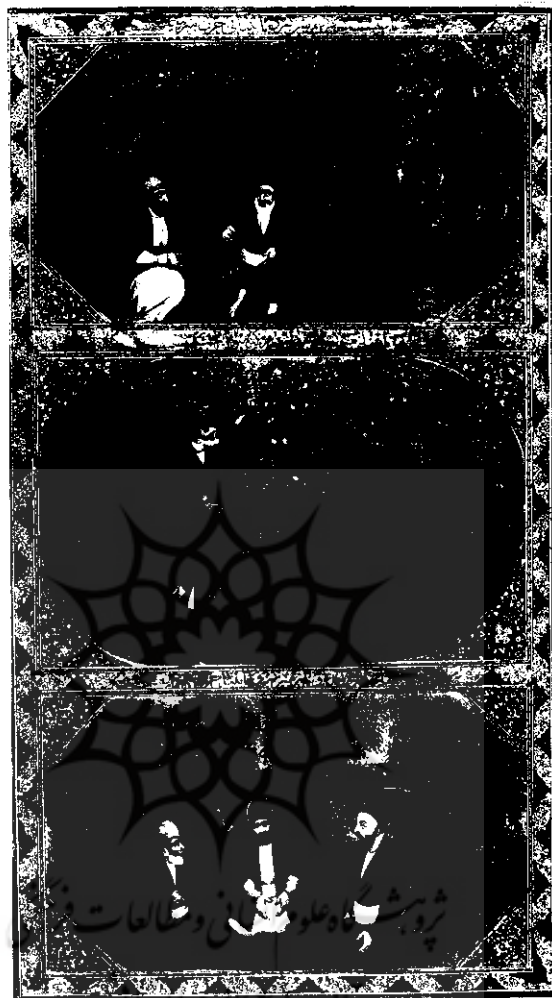
صحنه‌هایی از حکایت «ملک غریب»
نگاره‌های آبرنگ، از مجلد چهارم
«هزار و یک شب» کار صنیع‌الملک

تصنیف: صنیع‌الملک، نگارنده: صنیع‌الملک



صحنه‌های دیگری از حکایت
«ملک عجیب» و «ملک غریب»
نگاره‌های آبرنگ، از مجلد چهارم
کتاب «هزار و یک شب» کار
ابوالحسن غفاری، صنایع‌الملک.

کتاب از بی هزار و یک شب



برای بازنمایی مظاهر طبیعت به کار برده بود. او بخصوص به پیکرنگاری علاقه‌ای ویژه داشت و آنها را بیشتر با اسلوب نقطه پرداز کار می‌کرد. در ترکیب رنگ‌ها و هماهنگی و توازن آنها نهایت دقت را به کار می‌بست و این خصوصیت را می‌توان در بیشتر تصاویر هزارویک‌شب مشاهده کرد. او در طراحی و قلم‌گیری مهارت داشت و منظره‌پردازی‌ها و ترکیب‌بندی‌های او گرچه تحت تأثیر نقاشی اروپایی بود، ولی خصوصیات شرقی را کاملاً حفظ کرده است. این خصوصیات به ویژه در انتخاب موضوعات و رنگامیزی مجالس هزارویک‌شب کاملاً مشهود است.

مجالس هزارویک‌شب از حیث موضوع، متنوع و نشان‌دهنده فضاهای مختلفی از جامعه دوره قاجار است. این موضوعات از نظر شناخت آداب و سنن و جوانب فرهنگی و اجتماعی این دوره اهمیت دارد. در این مجالس می‌توان از فضاهایی چون حمام عمومی با تمامی

ویژگی‌های معماری آن و نیز آداب حمام رفتن و اعمال مربوط بدان چون تراشیدن موی سر و حنا بستن و کیسه کشیدن و لنگ بستن و غیره سراغ گرفت. یا مجالسی که بازار و دکان‌ها و کسبه و مشتریان را با خصوصیات معماری بازار نشان می‌دهد، برای شناخت این نهاد اقتصادی حائز اهمیت است.

در این تصاویر پیکره‌های مشاغل متعدد، از عطار و سمسار گرفته تا سقط فروش، کله‌قندها و باربرها می‌توان مشاهده کرد. از موضوعات و مضامین دیگر این تصاویر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آلات موسیقی اعم از تار، کمانچه، سنتور، دف و تنبک؛ قالی‌ها و پستی‌ها و تشکچه‌ها؛ وسایل روشنایی همچون لاله‌های تک‌شاخه، دوشاخه و سه‌شاخه و جار و چلچراغ و لاله‌های دیوارکوب، چراغ‌های روغنی و فتیله‌دار، صحنه‌های عروسی و عزا، لباس‌های مختلف مردمان این دوره از زن و مرد و کودک و پیر و جوان و خصوصیات چهره آنها؛ آلات حرب اعم از کلاهخود، شمشیر و تیر و نیزه و ساق‌بند، زین و ویراق و جامه‌های نظامی مثل سرداری نظامی مليله‌دوزی شده و غیره.

پس از پایان یافتن تحریر، تصویر، تذهیب، تصحیف و تجلید کتاب هزارویک‌شب، حسینعلی خان معیرالممالک جلدی از آن را در دست گرفت و با تشریفات خاصی آن را از نظر ناصرالدین‌شاه گذراند و شاه از وی قدردانی به عمل آورد. به ابوالحسن صنیع الملک و شاگردان او انعام خلعت بخشید. ابوالحسن صنیع الملک به مناسبت این تشریفات، تصویری از معیرالممالک را در لباس رسمی و در حالی که یکی از جلدهای کتاب را در دست دارد کشید و در زیر آن «قلم ابوالحسن غفاری نقاشباشی، سنه ۱۲۷۰» را نوشت (همان، ۳۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

منابع

- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران جیبی، ۱۳۵۷
- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۲
- اعتمادالسلطنه، المآثر والاثار، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱ و ۳، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳
- اقبال، عباس، «سبزه میدان و مجمع دارالصنائع»، یادگار، شماره‌های ۹-۱۰ (۱۳۲۷) ص ۶۷ به بعد.
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۷۶
- چپیک و دیگران، تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۸۲
- حناالفاخوری، ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، توس، ۱۳۶۱
- ذکاء، یحیی، زندگانی و آثار استاد صنیع الملک، ویرایش سیروس پرهام، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲
- فلورودیدگران، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ایلشاپ، ۱۳۸۲
- کمال الملک، «شرح حال کمال الملک از زبان خودش»، در یادنامه کمال الملک، به کوشش علی دهباشی و بهنام داراب، شباهنگ، تهران، ۱۳۶۶
- محجوب، محمدجعفر، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، جلد ۱، تهران، چشمه، ۱۳۸۲
- محجوب، محمدجعفر، «ترجمه فارسی از الف لیل و لیله»، سخن، سال ۱۳۳۸، ص ۵۳-۳۴
- مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۱، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶
- معیرالممالک، دوستعلی خان، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱